

« بنام صورتگر هستی »

ویرایش جدید

مجموعه سؤالات امتحانی

درس فلسفه سال سوم ادبیات

تهیه و تنظیم: محمد عظیمی راویز
(سرگروه فلسفه و منطق شهرستان منوجان)

تستهای کنکور سراسری

سال تحصیلی ۸۹-۸۸

سؤالات امتحان نهایی

..... فلسفه چیست (۱)

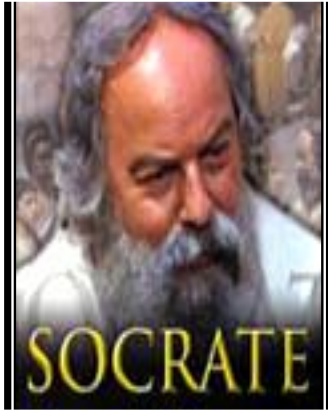
- ۱- لفظ فلسفه چه ریشه ای دارد و معرب چیست و چه معنایی دارد؟ (شهریور ۸۴)
- ۲- اولین کسی که خود را فیلسوفوس (یعنی دوستدار دانایی) خواند چه کسی بود؟
- ۳- سوفسطائیان چه کسانی بودند؟
- ۴- کلمه..... در زبان عربی از لفظ سوفیست گرفته شده است و اکنون معنای رائج آن... است.
- ۵- چرا سقراط مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند و او خود را چه نامید؟ (خرداد ۸۳)
- ۶- رفته رفته کلمه..... به مفهوم.... ارتقاء پیدا کرد و کلمه..... مرادف با..... شد.
- ۷- کلمه فلسفه در بین مردم چه معنایی دارد؟ توضیح دهید.
- ۸- چرا انسان به سوی فلسفه می رود نظر ارسطو را در این مورد بنویسید؟
- یا چرا اندیشمندان و همچنین مردم امروز به سراغ بحثهای فلسفی می روند؟ (خرداد ۸۶)
- ۹- روش مطمئن برای کشف رابطه پدیده ها از نظر دانشمندان علوم تجربی چیست؟
- ۱۰- نشانه های قانون طبیعت چیست؟
- ۱۱- مفهوم قانون در علوم تجربی چه اصلی را بیان می کند؟
- ۱۲- اصل یکنواخت عمل کردن طبیعت را با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۱۳- در پرتو کدام قاعده است که تمام تحقیقات علمی معنا پیدا می کند؟
- ۱۴- اصل تبعیت همه موجودات از اصل علیت را با ذکر مثال توضیح دهید. (خرداد ۸۵)
- ۱۵- کدام اصل نزد دانشمندان اصلی است پذیرفته شده که همه قوانین علمی بر پایه آن بنا شده است؟
- ۱۶- منظور از مبانی فلسفی علوم طبیعی چیست؟
- ۱۷- مبانی فلسفی علوم طبیعی را نام ببرید؟ (شهریور ۸۵)
- ۱۸- معنای مشترکی که میان فلسفه به معنای عام و فلسفه به معنای دانش خاص وجود دارد چیست؟
- ۱۹- چه موقع ما کاری فلسفی انجام داده ایم؟ یا چه نوع تلاشی را می توان به عنوان یک کار فلسفی قلمداد کرد؟ (خرداد ۸۴)

..... درس دوم فلسفه و علوم انسانی

- ۱- نحوه ارتباط فلسفه با روانشناسی را توضیح دهید (شهریور ۸۵).
- ۲- چه عاملی باعث پیوند فلسفه و روانشناسی می شود؟
- ۳- چه مسائلی باعث ارتباط بین جامعه شناسی و فلسفه می شود؟ هر یک را توضیح دهید (خرداد ۸۵)
- ۴- عقیده فیلسوفان مکتب فلسفی مارکسیسم و فیلسوفان الهی را درباره انسان و پانگه طبقاتی او مقایسه کنید (خرداد ۸۶)
- ۵- نحوه ارتباط فلسفه و علم سیاست را بنویسید.
- ۶- نحوه ارتباط فلسفه با علم اخلاق را بنویسید.
- ۷- نحوه ارتباط فلسفه و هنر را بنویسید (خرداد ۸۴).

- ۸- بحث «آیا جامعه برای خود مستقل و متفاوت از افراد جامعه دارد یا ندارد؟» یک بحث است و بحث «آزاد بودن و تابع بودن انسان نسبت به شرایط پایگاه طبقاتی یک بحث است.
- ۹- نحوه ارتباط فلسفه و علم حقوق را بنویسید.
- ۱۰- مشخص کنید هر یک از موضوعات زیر در چه علمی مورد بحث و بررسی قرار می گیرند؟
- ۱- چرا بعضی زبان زیبایی و هنری اشیاء را می فهمند و بعضی دیگر آن را نمی فهمند؟ ()
- ۲- چرا باید اشخاص مجرم مجازات شوند؟ ()
- ۳- آیا ارزشهای اخلاقی نسبی است؟ ()
- ۴- مردم باید از چه کسی یا چه کسانی اطاعت کنند؟ ()
- ۵- آیا انسان موجودی کاملاً تابع پایگاه طبقاتی خود است؟ ()
- ۶- جرم چیست؟ ()
- ۷- انسان علاوه بر جسم مادی دارای روح غیر مادی نیز هست. ()
- ۸- حکومت بر مردم حق چه کسی است؟ ()
- ۹- چرا راستی و درستی خوب است و دروغ و خیانت بد؟ ()
- ۱۰- چه کسی باید برای مجازات قانون وضع کند؟ ()
- ۱۱- زیبایی چیست؟ ()
- **درس سوم..... فلسفه اولی یا مابعد الطبیعه**
- ۱- تفاوت بررسی اشیاء در علوم مختلف و فلسفه را بنویسید. یا چه تفاوتی میان کار یک فیلسوف و یک عالم در بررسی اشیاء وجود دارد
- ۲- مابعد الطبیعه یا فلسفه اولی را تعریف کنید. (شهریور ۸۵)
- ۳- مسائل فلسفه اولی (مابعد الطبیعه) را نام ببرید. (خرداد ۸۴)
- ۴- چه موقع ما قدم در عرصه مابعد الطبیعه نهاده ایم؟
- ۵- در بحث وجود و ماهیت منظور از «وجود» است و منظور از «ماهیت» است.
- ۶- رابطه علیت در یکی از بحثهای فلسفه اولی است.
- ۷- اگر رابطه علیت در باشد جای طرح آن در علوم دیگر غیر از فلسفه اولی است.
- ۸- از مسائل مابعد الطبیعه بحث «وحدت و کثرت» را توضیح دهید.
- ۹- مهمترین مصداق فلسفه چیست؟
- ۱۰- حقیقی ترین و اصلی ترین مبنایی که همه خصوصیات اشیاء و پدیده ها به آن باز می گردد نام دارد.
- ۱۱- هستی شناسی یا مابعد الطبیعه شناخت است.
- ۱۲- فلسفه اولی نام دیگری است بر که پیرامون بحث می کند. (خرداد ۸۵)
- ۱۳- کار فلسفه اولی یا مابعد الطبیعه چیست؟
- **درس چهارم..... آغاز فلسفه**
- ۱- چرا از یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند؟
- ۲- اندیشه های راز گونه بشر را که صیغه (رنگ) مابعد الطبیعی دارند باید در میان جستجو کرد.
- ۳- تأملات بشر پیرامون هستی و آغاز و انجام جهان در ابتدا همراه با چه چیزی بوده است؟
- ۴- زادگاه فلسفه یونانی کجاست و مباحث فلسفی در چه زمانی پایه گذاری شد؟
- ۵- نام کتاب برتراند راسل چیست؟ او در کتاب خود در مورد ظهور تمدن یونانی چه می گوید؟
- ۶- چه عاملی بیش از هر چیز اندیشمندان نخستین را به خود مشغول می داشت؟ دو نمونه مثال بزنید.
- ۷- چه عاملی موجب بی اعتمادی مردم نسبت به دانش و اندیشه شد؟
- ۸- نظریه گزنفون در مورد سوفسطائیان چه بود؟
- ۹- مشهورترین سوفسطایی چه کسی بود و در چه قرنی می زیسته و شعار او چه بود؟
- ۱۰- نخستین کسی که در مقابل تعلیم مزد دریافت می کرد چه کسی بود و چرا به مرگ محکوم شد؟
- ۱۱- عقیده پروتاگوراس در مورد حقیقت چه بود؟ (شهریور ۸۴) یا چرا پروتاگوراس معتقد بود «انسان معیار همه چیز است»؟
- ۱۲- به عقیده پروتاگوراس همه چیز است و حقیقت به معنای دانش پایدار و حقیقت جنبه دارد.
- ۱۳- شعار گرگیاس چه بود و کدامیک از فلاسفه بزرگ یکی از آثار خود را به نام او کرده است؟
- ۱۴- عقیده گرگیاس را در مورد حقیقت بنویسید. (شهریور ۸۵)
- ۱۵- نام کتاب گرگیاس چیست؟
- ۱۶- نظر پروتاگوراس و گرگیاس چه تفاوتی با هم دارد؟
- ۱۷- اثرهای (منفی و مثبت) سوفسطائیان را بطور اختصار بیان کنید. (خرداد ۸۵)
- ۱۸- فلاسفه بزرگی مانند و شیوه استدلالی را تکامل بخشیدند و توفیق یافت تا اصول آن را تنظیم کند
- ۱۹- چرا سقراط را بنیانگذار فلسفه نامیده اند؟
- ۲۰- سخنگوی فلسفه کیست؟ چرا؟
- ۲۱- خصوصیت ممتازی که سقراط تا پایان عمر از آن دست بردن داشت چه بود؟
- ۲۲- چرا سوفسطائیان پیروی از شیوه جهان شناسان را کاری بیهوده می دانستند؟
- ۲۳- آراء و نظرات گوناگون جهان شناسی چه نتیجه ای را در بر داشت؟
- ۲۴- سوفسطائیان آموزش چه علمی را ترویج می کردند؟ چرا؟

.....درس پنجم.....سقراط: شهید راه حکمت.....



- ۱- مقصود سقراط از گشت وگذار در بین مردم چه بود؟ و چرا آن را وظیفه خود می دانست؟
- ۲- سقراط خود را عهده دار چه رسالتی می دانست؟
- ۳- چه عواملی باعث شد تا توطئه ای علیه سقراط طراحی شود؟
- ۴- نام دادگاهی که سقراط در آن محاکمه شد چه نام داشت؟ و بزرگترین شاگرد سقراط چه کسی بود؟
- ۵- جرم سقراط از نظر ملتوس چه بود و او چه مجازاتی برای سقراط درخواست کرد؟
- ۶- کدامیک از دروغهایی را که به سقراط نسبت دادند بیش از همه موجب حیرت سقراط شد؟
- ۷- سقراط وظیفه خود وقاضی را چه می داند؟(خرداد۸۴)
- ۸- سقراط خطاب به آنتیان علت تهمت های وارده را چه می داند؟
- ۹- سقراط در گفته های خود به گفته های چه مقامی استناد می کرد؟
- ۱۰- سروش معبد دلفی چه بود؟
- ۱۱- راز پیام سروش دلفی چه بود و سقراط چگونه سعی کرد تا راز پیام سروش دلفی را کشف کند؟
- ۱۲- دانای حقیقی از نظر سقراط چه کسی است؟(خرداد۸۴)
- ۱۳- متهم کنندگان سقراط چه کسانی بودند و هر یک به هواداری از چه گروه هایی برخوردار بودند؟
- ۱۴- سقراط نتایج آزمایشات خود را در مورد مدعیان علوم چگونه بیان می کند؟(یا سقراط از سنجیدن دانشمندان مختلف چه نتیجه ای گرفت؟
- ۱۵- سقراط اتهام ملتوس مبنی بر گمراه کردن جوانان را چگونه پاسخ می دهد؟ توضیح دهید
- ۱۶- سقراط اعتقاد نداشتن به خدا را چگونه رد می کند؟(یا سقراط در باره این اتهام که او خداپرست نیست چه پاسخی می دهد؟)
- ۱۷- چه اختلافی میان سقراط و مخالفانش در انگیزه انجام کارها وجود داشت؟
- ۱۸- به نظر سقراط برای شروع کار بهترین مطلبی را که باید مد نظر گرفت چیست؟(خرداد۸۴)
- ۱۹- سقراط چه عاملی را سبب ترس از مرگ می دانست؟
- ۲۰- سقراط تفاوت خود را با دیگران در مورد جهان پس از مرگ در چه چیزی می داند؟
- ۲۱- سقراط بالاترین سعادت را برای شهر خود چه می داند؟(خرداد۸۵)
- ۲۲- سقراط معتقد بود چه خدمتی می تواند به پیران و جوانان کند؟
- ۲۳- آخرین سخنان سقراط در دادگاه در مورد مرگ چه بود؟
- ۲۴- چرا سقراط پیشنهاد دوست خود را برای فرار از زندان قبول نکرد؟
- ۲۵- سقراط در دفاعیه خود راز دانایی خود را در چه می داند؟
- ۲۶- دو جنبه پیام سقراط را بنویسید(خرداد۸۴-شهریور۸۴-شهریور۸۵)
- ۲۷- گام اول در طریق کسب حکمت ودانایی از نظر سقراط چیست؟
- ۲۸- مفهوم حقیقی نمی دانم از نظر سقراط چیست؟
- ۲۹- تفاوت نمی دانم سقراط را با نمی دانم سوفسطائیان مقایسه کنید.
- ۳۰- چه کسی شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت؟ چگونه؟
- ۳۱- کدام بحث از مباحث منطقی یادگار مباحث سقراط است؟
- ۳۲- سقراط بهترین راه وصول به دانش درست و مطمئن را در چه می دانست؟(خرداد۸۵)
- ۳۳- از نظر سقراط به کمکمی توانو.....را بدست آورد.
- ۳۴- «نمی دانم» سقراط ، سوفسطائیان را از اسارت آزاد ساخت.(شهریور۸۷)
- ۳۵- سقراط سعادت شهر خود را در می دانست وداناترین آدمیان در پیام سروش دلفیبود.(خرداد۸۵)
- ۳۶- به نظر سقراط انسان چگونه می تواند از وسوسه شک و گمان خلاصی یابد و راه حقیقت را ببیند؟(دی ماه۸۵)
- ۳۷- نمی دانم سقراط در واقعه آوایو.....درس آگاه شدن از گوهررا که در درون هر انسانی نهفته شده است، طنین انداز کرده است.(خرداد۸۶)
- ۳۸- سقراط هنگام پیشنهاد دوستانش برای فرار از زندان ویژگی یک حکیم را در چه چیزهایی می داند؟

.....درس ششم.....گوهر های اصیل و جاودانه.....

- ۱- نام اصلی افلاطون چیست و چرا او را افلاطون نامیدند؟
- ۲- سبک افلاطون در مباحث فلسفی چگونه سبکی است؟ این سبک به چه نامی مشهور است و آن را از چه کسی آموخته است؟
- ۳- نام دانشگاهی که افلاطون بنیاد نهاد چه بود؟ وقهرمان داستانهای فلسفی افلاطون کیست؟ چرا؟
- ۴- کدام یک از فیلسوفان در آثار خود به مسئله شناسایی توجه شایانی نشان داده است؟
- ۵- افلاطون در بحثهای خود در مورد شناسایی ابتدا چه سؤالی را مطرح می کند؟
- ۶- افلاطون در کدام یک از رساله های خود بیش از هر جای دیگر در مورد شناسایی سخن گفته است؟
- ۷- تفاوت رساله تئتئوس و جمهوری افلاطون در چیست؟
- ۸- افلاطون در کتاباز زبانبه گفتگویا..... که یک جوان دانش پژوه ریاضی بود مشغول می شود.

۹- سوفسطائیان و بخصوص پروتاگوراس با تکیه بر ادراک حسی چه نظری در مورد حقیقت داشتند؟

۱۰- تئنتوس در مورد شناسایی چه نظری داشت؟

۱۱- افلاطون از زبان سقراط در گفتگو با تئنتوس در مورد شناسایی ادراک حسی او را متوجه چه مثالی می کند؟ وجه نتیجه ای از آن گرفت؟

۱۲- اگر ادراک حسی شناسایی باشد چه نتیجه ای بدست می آید؟ یا اگر سوفسطائیان می گفتند، شناسایی معتبر همان ادراک حسی باشد و احتمال خطا نداشته باشد، چه نتایج تناقض آمیزی به دنبال خواهد داشت؟ (خرداد ۸۷)

۱۳- از دیدگاه افلاطون معرفت حقیقی باید دارای چه ویژگی باشد و هر ویژگی ضامن چه چیزی است؟ (خرداد ۸۴)

۱۴- چرا افلاطون ادراک حسی را شایسته اعتنا نمی داند؟ (خرداد ۸۵)

۱۵- افلاطون معتقد است انسان می تواند با به معرفت حقیقی دست پیدا کند و انسان طوری باید تربیت شود که برای آماده گردد.

۱۶- افلاطون در باره وجود تغییر و دگرگونی در طبیعت پیرو کدامیک از فلاسفه قبل از خود بوده است؟

۱۷- سخن معروف هراکلیتوس فیلسوف نامدار قبل از سقراط را بیان کنید.

۱۸- کدام ویژگی در جهان طبیعت سبب می شود ادراک حسی از نظر افلاطون معتبر نباشد؟

۱۹- راه حل افلاطون برای رسیدن به معرفت حقیقی چیست؟ و شامل چه مراحل می شود؟

۲۰- از دید افلاطون برای بدست آوردن باید از سطح فراتر رفت و از ابزار دیگری به نام مدد جست.

۲۱- ادراک عقلانی چه نوع ادراکی است؟ یا نظر افلاطون را در مورد ادراک عقلانی بنویسید. (خرداد ۸۴)

۲۲- از دید افلاطون مشخصه اول در معرفت حقیقی که همان آن است را باید با تامین کرد

۲۳- ویژگی عالم طبیعت از دید افلاطون چیست؟

۲۴- از دیدگاه افلاطون ویژگی دوم در معرفت حقیقی یعنی در جهان تامین نمی شود بلکه باید آن را در جستجو کرد.

۲۵- از دیدگاه افلاطون خطاناپذیری حواس و ثبات و یابرداری معرفت حقیقی به ترتیب به وسیله چه چیزی تامین می شود؟

۲۶- منظور افلاطون از مُثُل چیست؟ و رابطه آن را با جهان طبیعت بنویسید. (خرداد ۸۴)

۲۷- از دید افلاطون چنانچه آدمی با عروج عقلانی از عبور کند و از به شهود عقلانی حقایق آن دیار موفق شود ملاحظه می کند که آنچه در این جهان محسوس است تنها از آن حقایق برین است.

۲۸- با ذکر یک مثال توضیح دهید مرجع حقیقی کلیات از نظر افلاطون کجاست و چگونه به آن می توان رسید؟ (خرداد ۸۵)

۲۹- نقش حس و تجربه را در درک مثل بنویسید.

۳۰- افلاطون سیر عقلانی به سوی معرفت حقیقی یا شناسایی مثل را در چه کتابی و چگونه بیان می کند؟

۳۱- افلاطون تمثیل غار را در ضمن گفتگوی چه کسانی مطرح می کند؟

۳۲- به عقیده افلاطون زندانی بیرون آمده از غار چه مراحل را باید طی کند تا به دیدار خورشید نایل گردد؟ (شهریور ۸۵)

۳۳- در تمثیل غار منظور افلاطون از زندان غار است و منظور او از پرتو آتشی که به درون غار می تابد است و منظور او از اشیاء بیرون از غار و انسانهای در حال رفت و آمد است و منظور او از خارج شدن آدمی و تماشای اشیاء گوناگون است. (شهریور ۸۴)

۳۴- به نظر افلاطون آنچه آدمی در آخرین مرحله شناسایی در می یابد چیست؟

۳۵- افلاطون تمثیل غار را به چه منظور به کار برده است؟

۳۶- مثال نیک یا خیر تعبیر افلاطون از کدام موجود است؟

۳۷- افلاطون معتقد است آنچه آدمی در عالم معرفت حقیقی در پایان سیر و سلوک و پس از تحمل رنجهای طاقت فرسا در می یابد است که همه سایه ها و تصاویر است.

..... **درس هفتم (علتهای چهارگانه از دیدگاه ارسطو)**

۱- کدام یک از فیلسوفان نقش بیشتری در شکل گیری دانش بشری داشت؟

۲- روش فلسفی ارسطو چه نام داشت؟ چند تن از پیروان او را نام ببرید.

۳- ارسطو به عنوان یک فیلسوف طبیعت شناس در صدد بود تا توجیه عقلانی کند.

۴- از نظر ارسطو در هر حرکت و تحویلی که در جهان طبیعت رخ می دهد چه عواملی موثر است؟ نام ببرید.

۵- در مثال خیاط علت فاعلی - مادی - صوری و غایی را مشخص کنید.

۶- علت فاعلی را با مثال تعریف کنید.

۷- علت مادی را با مثال تعریف کنید. (شهریور ۸۵)

۸- علت صوری را با مثال تعریف کنید. (شهریور ۸۵)

۱۰- ارسطو برای توجیه عقلانی پدیده ها از چه عواملی استفاده می کند؟

۱۱- ارسطو از علل اربعه برای انجام چه کاری استفاده می کند و نام کتاب ارسطو چیست؟

۱۲- بهمنیار شاگرد چه کسی بود و نام کتاب او چیست؟

۱۳- بهمنیار علل چهارگانه ارسطو را چگونه تبیین می کند؟

۱۴- از دیدگاه ارسطو منظور از علل درونی و بیرونی یک پدیده چیست؟

۱۵- مراد ارسطو از علت فاعلی چیست؟

۱۶- شیخ الرئیس (ابن سینا) علت حرکت اجسام را چگونه تفسیر می کند؟

۱۷- از نظر ابن سینا حرکاتی را که سبب خارجی برای آنها نمی بینیم از..... نشات می گیرد.

۱۸- منظور ارسطو از طبیعت جسم چیست با مثال توضیح دهید. (شهریور ۸۵)

۱۹- ماده یا هیولا را از نظر ارسطو با ذکر مثال تعریف کنید. (دی ماه ۸۶)

۲۰- علت مادی در نظر ارسطو به چه معناست؟ با ذکر مثال توضیح دهید.

۲۱- علت صوری در نظر ارسطو به چه معناست؟ با ذکر مثال توضیح دهید.

۲۲- در نظر ارسطو آنچه شدنی است.... است و آنچه بودنی است.... است.

۲۳- ارسطو مرگ و ولادت و پیدایش و فنا را چگونه تفسیر می کند؟

۲۴- ماده و صورت از امور نسبی هستند یعنی چه؟ توضیح دهید.

۲۵- (خرداد ۸۶) در نظر ارسطو نسبت یک صورت به صورت بالاتر از خود چیست؟

الف- غایت آن است ب- فاعل آن است ج- ماده آن است د- صورت آن است

۲۶- تخم مرغ نسبت به نطفه اولیه..... است اما نسبت به جوجه..... است و جوجه نسبت به تخم مرغ..... است و نسبت به مرغ..... است. (خرداد ۸۴)

۲۷-..... آن صورت نخستین است که جسم را به سوی..... بالاتر می راند.

۲۸- رابطه صورت و طبیعت را بنویسید

۲۹- مفهوم علت غایی را در نزد ارسطو بنویسید.

۳۰- از دیدگاه ارسطو..... دردرون هر چیزی وجود دارد و درست شبیه..... در ذهن یک انسان عمل می کند

۳۱-..... ضامن حرکت انسان برای بدست آوردن چیزی است و..... هم ضامن حرکت ماده اشیاء است به سوی بالاترین صورت و فعلیتی که می تواند به آن برسد.

۳۲- میل طبیعی ضامن چیست؟ با میل طبیعی چه نقشی در رسیدن اشیاء به فعلیت دارد؟

۳۳- ارسطو جهان طبیعت را به چه چیزی تشبیه می کند؟

۳۴- عالم طبیعت در نزد ارسطو دارای چه خصوصیات است؟

۳۵- برای ارسطو علت غایی در طبیعت چیست؟

۳۶- از نظر ارسطو..... نظم و هماهنگی را در جهان طبیعت تامین می کند.

۳۷- با تحلیلی که ارسطو از علت‌های چهارگانه ارائه می دهد چه چیزی تبیین می شود؟

۳۸- مبادی شناخت حقایق جهان از دیدگاه ارسطو چگونه تبیین می شود؟

۳۹- از نظر ارسطو وظیفه یک فیلسوف چیست؟

۴۰- ارسطو فلسفه را چگونه دانشی می داند؟

۴۱- میل طبیعی در درون اشیاء را با انگیزه و نیت که در ذهن انسان است مقایسه کنید. (خرداد ۸۵)

۴۲- در جمله زیر علت های چهارگانه را مشخص کنید « هنرمندی مجسمه ی طلایی را بخاطر تزئین تالار ساخت » (دی ماه ۸۴)

۴۳- ارسطو چگونه فیلسوفی است و به چه موضوعاتی علاقمند بود؟

جواب تشریحی سؤالات

..... فلسفه چیست (۱)

۱- (لفظ فلسفه ریشه «یونانی» دارد و معرب کلمه «فیلسوفیا» است و به معنی «دوستدار دانایی» است)

۲- (فیثاغورث)

۳- (کسانی بودند که خود را «سوفیست» یعنی دانشمند می خواندند و این گروه ادراک انسان را مقیاس حقیقت و واقعیت می گرفتند و معتقد بودند هر کس هر

چه بیندارد همان حقیقت و واقعیت است و برای حقیقت ارزشی جدا از ادراکات انسان قائل نبودند یعنی استدلالهایی به کار می بردند که ظاهراً صحیح بود اما در

واقع غلط بود)

۴- (سفسطه-مغالطه کاری)

۵- (۱- به علت تواضع و فروتنی ۲- به علت همدردی نشدن با سوفیست ها- او خود را فیلسوفوس (فیلسوف) یعنی دوستدار دانش نامید)

۶- (فیلسوفوس (فیلسوف) - دانشمند- فلسفه- دانش)

۷- فلسفه در بین مردم به معنی چرایی و توضیح و تبیین پدیده هاست و به عبارت دیگر به معنای تبیین عقلانی یک واقعه یا پدیده است مثلاً وقتی که می گویند

فلسفه نماز چیست؟ منظور آنها این است که چرا باید نماز بخوانند و دلیل عقلی بر اینکه باید نماز بخوانند چیست؟)

۸- (انسان چون در مقابل حوادث جهان دچار حیرت می شود برای زدودن حیرت و فهم حقایق امور به سوی فلسفه می رود - ارسطو می گوید اعجاب و حیرت

است که نخستین اندیشمندان و نیز مردم امروز را به سوی بحثهای فلسفی می کشاند)

۹- (روش تجربه و آزمایش)

۱۰- (آن است که از پدیده ای خبر می دهد که تکرار می شود مانند تغییر رنگ همیشگی تورنسل در مجاورت اسید و باز)

۱۱- (اصل یکنواخت عمل کردن طبیعت)

- ۱۲- (یعنی طبیعت همواره به صورت یکنواخت عمل می کند و در شرایط مشابه نتایج مشابه بدست می آید مثلا همیشه ودر همه جا آب در صد درجه به جوش می آید)
- ۱۳- (قاعده مهم علیت)
- ۱۴- (این قانون بیان علیت چیزی نسبت به چیز دیگر است ودر همه علوم برای بیان قوانین از مفاهیم علت و معلول استفاده می شود و امکان ندارد پدیده ای در این عالم بدون علت بوجود آید ویا موجودی خود به خود بوجود آید مثلا دور شدن منبع صوت به شنونده علت تغییر طول موج صوت است)
- ۱۵- (اصل علیت)
- ۱۶- (مبانی عقلی هستند که علوم تجربی بر آنها متکی است اما در هیچ علم تجربی قابل تحقیق و بررسی نیستند یعنی خود این مبانی در علوم تجربی مورد بحث قرار نمی گیرد)
- ۱۷- (۱- واقعیت داشتن جهان ۲- قابل شناخت بودن طبیعت ۳- تبعیت همه موجودات از اصل علیت ۴- درستی روش تجربه و آزمایش ۵- یکسان عمل کردن طبیعت)
- ۱۸- (تبیین عقلانی)

۱۹- (هرگاه یک موضوع جدی را در مقابل دیدگان عقل قرار دهیم وبا روش عقلی و منطقی سعی در شناخت ابعاد آن نمودیم کاری فلسفی انجام داده ایم)

.....درس دوم: فلسفه و علوم انسانی.....

مقدمه: بطور کلی در همه علوم به سؤالات و مسائلی بر می خوریم که برای یافتن پاسخ آن نیازمند تبیین عقلانی هستیم و تبیین عقلانی به عهده فلسفه است و این موضوع باعث ارتباط کلی فلسفه با سایر علوم می شود.

- ۱- الف- اگر فیلسوفی معتقد باشد انسان علاوه بر جسم مادی صاحب یک روح غیر مادی نیز هست روانشناسی متناسب با مکتب او با مکتب فیلسوف دیگری که معتقد است انسان چیزی غیر از همین جسم مادی نیست فرق می کند
- ب- بحث شناخت یکی از بحثهای مشترک میان فلسفه و روانشناسی است بحث شناخت یا معرفت یکی از بحثهای مهم فلسفه است که در آن از حقیقت ذهن آدمی و قواعد آن در شناخت عالم خارج سخن به میان می آید واز آنجا که شناخت یکی از افعال روانی انسان است همین بحث در روانشناسی نیز مطرح است)
- ۲- (بحث شناخت یا معرفت)

۳- (۱- اصالت فرد و اصالت جامعه: برخی جامعه شناسان معتقد به اصالت فرد هستند یعنی معتقدند جامعه چیزی جز افراد نیست و جامعه بدون افراد نمی تواند وجود مستقل داشته باشد اما این مطلب که آیا جامعه می تواند بدون افراد وجودی مستقل داشته باشد یا نه یک بحث فلسفی است ۲- انسان و پایگاه طبقاتی او: یکی از مباحث فلسفی که ریشه در بینش فلسفی دارد این است که آیا انسان موجودی مجبور و تابع پایگاه طبقاتی خود است یا اینکه موجودی مختار است که می تواند خود را از تاثیر پایگاه طبقاتی خود آزاد سازد که در این مورد مارکسیست ها معتقد هستند که انسان موجودی مجبور است یعنی هر فرد بسته به اینکه در کدام طبقه اقتصادی جامعه قرار دارد دارای عقاید و فرهنگ خاصی است اما برخی فیلسوفان معتقد هستند انسان با روح غیر مادی خود صاحب اراده ای آزاد است و می تواند برای خود فرهنگ خاصی را ایجاد کند اما این مسئله که آیا انسان موجودی مختار و آزاد است یا موجودی مجبور است یک بحث فلسفی است)

۴- (جواب با توجه به سؤال قبل)

- ۵- (مارکسیست ها حکومت را حق طبقه پرولتاریا «طبقه کارگر» میدانند و اسلام حکومت را حق خدا می داند و برخی جامعه شناسان غربی حکومت را حق «اکثریت» می دانند و در مکتب دیکتاتور حکومت از آن خود فرد (دیکتاتور) است اما پاسخ به اینکه حکومت بر مردم حق چه کسی است؟ و مردم باید از چه کسی اطاعت کنند؟ باید از طریق فلسفه علم سیاست بیان شود همین موجب ارتباط فلسفه و علم سیاست می شود)
- ۶- در اخلاق همه جا صحبت از خوبی و بدی و باید ها و نبایدها است و اینکه راستگویی و امانتداری خوب است و دروغ و خیانت بد است اما برای پاسخ به اینکه چرا راستگویی و امانتداری خوب است؟ و چرا دروغ و خیانت بد است؟ و اینکه آیا ارزش های اخلاقی مطلق است یا نسبی؟ باید از طریق فلسفه علم اخلاق پاسخ گفته شود و در فلسفه علم اخلاق سعی می شود یک مبنا و شالوده عقلانی پیدا شود تا بر اساس آن بتوان قواعد و احکام علم اخلاق را تبیین عقلانی کرد)
- ۷- (موضوع علم هنر زیبایی است و اینکه چه چیز زشت است و چه چیز زیباست اما برای پاسخ به سؤالاتی از قبیل اینکه ۱- حقیقت و ماهیت زیبایی چیست؟ ۲- فرق یک هنر مند با دیگران در چیست؟ ۳- چرا بعضی افراد زبان زیبایی و هنری اشیا را می فهمند؟ ۴- آیا همه افراد در نگاه به اشیا زیبایی آن را درک می کنند؟ ما نیازمند تبیین عقلانی هستیم که جای طرح آن در فلسفه هنر است.

۸- (فلسفی - فلسفی)

۹- (یکی از مسائل علم حقوق این است که جرم چیست؟ و چه کسی باید برای مجرم مجازات تعیین کند؟ اما پاسخ به اینکه چرا مجرم باید مجازات شود بسته به نوع نگرش یک مکتب فرق می کند و تبیین عقلانی این مسائل است که ما را به حوزه فلسفه و علم حقوق می رساند)

۱۰- ۱- فلسفه علم هنر ۲- فلسفه علم حقوق ۳- فلسفه علم اخلاق ۴- علم سیاست ۵- فلسفه جامعه شناسی ۶- علم حقوق ۷- فلسفه روانشناسی ۸- سیاست ۹- فلسفه علم اخلاق ۱۰- علم حقوق ۱۱- علم هنر

.....درس سوم.....فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه.....

- ۱- (علوم مختلف موجودات را از جهت صفات و خصوصیات معینی مورد بررسی قرار می دهد ولی فلسفه موجودات را از جهت بودن وهستی داشتن مورد بررسی قرار می دهد)
- ۲- (علم به احوال موجودات از آن جهت که وجود دارند نه از آن جهت که ویژگی خاص دارند)
- ۳- (۱- وجود وماهیت ۲- علت ومعلول ۳- وحدت وكثرت ۴- آیا هستی ثابت است یا متغیر)
- ۴- (اگر به اشیاء از آن جهت که «هستی» دارند توجه کنیم یعنی اگر خود «هستی» ذهن ما را به خود جلب کند در آن هنگام ما قدم در عرصه مابعدالطبیعه نهاده ایم)
- ۵- (هستی-چیستی)
- ۶- (اصل وجود یا هستی)
- ۷- (خصوصیات هستی)
- ۸- (در بین موجودات هم وحدت وجود دارد وهم کثرت چون اگر کثرت در کار نبود ما نمی توانستیم اشیاء را از یکدیگر تمییز (تشخیص) دهیم واگر وحدت در کار نبود نمی توانستیم میان اشیاء هیچ همانندی ومشابهتی تشخیص دهیم ونمی توانستیم اشیاء را دسته بندی ونامگذاری کنیم)
- ۹- (هستی شناسی یا مابعدالطبیعه که همانا شناخت مطلق وجود است)
- ۱۰- (هستی و وجود)
- ۱۱- (احکام مطلق وجود)
- ۱۲- (مابعدالطبیعه-هستی)
- ۱۳- (فلسفه اولی سراسر هستی را عرصه مطالعه خود قرار می دهد تا به تبیین عقلانی احکام آن بپردازد)
-درس چهارم.....آغاز فلسفه.....
- ۱- (چون نخستین مجموعه ها وقطعه هایی که به زبان فلسفه نگاشته شده یا جنبه فلسفی در آنها غلبه داشته از یونان به یادگار مانده است وفلسفه در آنجا رسمیت یافت ومدارس فلسفی در آنجا بنیانگذاری شد)
- ۲- (پندارهای دینی مردم مشرق زمین)
- ۳- (همراه باباورهای دینی وبه زبان رمزی بیان شده است)
- ۴- (بخشی از سرزمین یونان باستان است واقع در غرب آسیای صغیر که «یونیا» نامیده می شود-شش قرن قبل از میلاد)
- ۵- (تاریخ فلسفه غرب-در سراسر تاریخ چیزی شگفت انگیز تر ودر عین حال دشوارتر از کیفیت ظهور ناگهانی تمدن در یونان نیست وبیشتر عوامل سازنده تمدن از هزاران سال پیش از تمدن یونان در مصر وبین النهرین پدیدار گشته واز آنجا به سرزمینهای دیگر راه یافته است در حالی که یونان به تنهایی عوامل پیشرفت همه جنبه های زندگانی بشر از قبیل هنر موسیقی ریاضیات ونجوم را فراهم نمود)
- ۶- (دگرگونیهایی که در جهان طبیعت رخ می داد ومی کوشیدند تا آنها را تبیین عقلانی کنند دگرگونیهایی مانند رشد وپژمردگی-مرگ وزندگی-بهار وخران-روز وشب و....)
- ۷- (آرا ونظرات گوناگون وغالباً متضادی که جهان شناسان باستان عرضه داشتند)
- ۸- (سوفسطائیان در برابر مزد خود به قصد فریب سخن می گویند ومی نویسند وهیچ کمکی به کسی نمی کنند زیرا هیچ یک از آنها دانا نبوده ونیست)
- ۹- (پروتاگوراس-قرن پنجم قبل از میلاد-انسان معیار همه چیز است)
- ۱۰- (پروتاگوراس-به علت نگارش کتابی در مورد خدایان)
- ۱۱- (همه چیز نسبی وموقت است وحقیقت به معنای دانش پایدار وثابت هرگز بدست نمی آید یعنی چون همگان نمی توانند در هیچ اصل مشترکی به نام حقیقت به وحدت برسند پس حقیقت جنبه خصوصی وشخصی دارد وهرکس هر چه بیندارد برای او حقیقت است)
- ۱۲- (نسبی وموقتی-هرگز بدست نمی آید-خصوصی وشخصی)
- ۱۳- (هیچ چیز را نمی توان شناخت-افلاطون)
- ۱۴- (اوسناسایی را انکار می کند ومعتقد است اولاً هیچ حقیقتی وجود ندارد ثانیاً به فرض وجود برای انسان شناختنی نیست ثالثاً اگر برای انسان شناختنی باشد نمی توان آن را به دیگری تعلیم داد)
- ۱۵- «درباره طبیعت»
- ۱۶- (پروتاگوراس معتقد است انسان هرچه بیندارد همان حقیقت است ولی گرگیاس معتقد است که هیچ حقیقتی را نمی توان شناخت)
- ۱۷- (اثرهای منفی: ۱- مبانی علم وحقیقت را متزلزل ساختند ۲- موجی از ناباوری وشکاکیت را در فضای روزگار خویش منتشر کردند ۳- امکان دستیابی به معرفت راستین واخلاق متعالی انسان را باخطر جدی مواجه ساختند. اثرهای مثبت: ۱- روش آنها در تاریخ فلسفه بسیار موثر بوده است آنها بحثهای استدلالی را گسترش دادند وهمین زمینه ای را فراهم کرد تا فن منطق مورد توجه اندیشمندان قرار گیرد)
- ۱۸- (افلاطون وسقراط-ارسطو)



- ۱۹- (زیرا- سقراط با روشی معتدل و بیانی استوار انسانها را به تأمل در خویشتن دعوت می کرد تا در درون خود گوهر الهی را کشف کنند ۲- او بود که توانایی عقل انسان را به خود او شناساند و نشان داد که می توان با روشی صحیح اندیشید و به حقیقت دست یافت)
- ۲۰- (سقراط- زیرا سقراط در تعلیم حکمت شیوه ای پیامبر گونه داشت و او هیچ نوشته ای به یادگار نگذاشت بلکه با سخنان خود به ترویج فلسفه پرداخت)
- ۲۱- (جویندگی حقیقت)
- ۲۲- (آنها به استناد اینکه سخنان جهان شناسان با یکدیگر تعارض دارد و آنها نتوانستند تفسیر صحیحی از جهان به دست دهند ، دنبال کردن شیوه آنها را کاری بیهوده می دانستند و به جای آن ، آموزش علوم سیاست و فن سخنوری را ترویج کردند)
- ۲۳- (سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار عارض شود و بذریع اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن آنها پراکنده گردد)
- ۲۴- (آموزش علوم سیاست و سخنوری- آنها به استناد اینکه سخنان جهان شناسان با یکدیگر تعارض دارد و آنها نتوانستند تفسیر صحیحی از جهان به دست دهند ، دنبال کردن شیوه آنها را کاری بیهوده می دانستند و به جای آن ، آموزش علوم سیاست و فن سخنوری را ترویج کردند)
- درس پنجم..... سقراط: شهید راه حکمت
- ۱- (این بود که ۱- جوانان و سالخوردگان را متقاعد سازد که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس ترجیح دهند ۲- به آنها یاد آوری کند که ثروت فضیلت نمی آورد بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است بدست می آید- زیرا سقراط معتقد بود این وظیفه را خداوند با ندهای غیبی و در رویاها به عهده او نهاده است)
- ۲- (او خود را عهده دار رسالتی می دانست که خداوند با ندهای غیبی و در رویاها بر عهده او نهاده است)
- ۳- ۱- شخصیت و اندیشه های سازنده سقراط ۲- مبارزه او علیه فضل فروشان و جاه طلبان ۳- علاقه جوانان به راه و روش و افکار سقراط سبب حسادت مدعیان تعلیم و تربیت بود ۴- رویارویی او با سوفسطائیان موجب کساد بازار آنها شده بود)
- ۴- (هلیاست- افلاطون)
- ۵- (اینکه سقراط خدایانی که همه به آن اعتقاد دارند را انکار می کند و از خدایان جدیدی سخن می گوید- مجازات مرگ)
- ۶- (اینکه گفته شد: به هوش باشید تا سقراط که سخنور توانایی است شما را فریب ندهد)
- ۷- (وظیفه خود را راستگویی و وظیفه قاضی را تشخیص حق از باطل می دانست)
- ۸- (علت تهمت‌ها را دانش خاص خود می داند)
- ۹- (خدای معبد دلفی)
- ۱۰- (اینکه هیچ کس داناتر از سقراط نیست)
- ۱۱- (این بود که بفهمیم تا چه اندازه نادانیم و داناترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند- سقراط سعی می کرد به نزد کسانی برود که در شهر به دانایی مشهور بودند تا با آنها گفتگو کند و آنها را بیازماید و سرانجام از این گفتگو می فهمید که آنها تنها با نظر به خودشان دانا هستند ولی در حقیقت از دانایی بویی نبرده اند او می کوشید تا برای آنها روشن سازد که پندارشان درباره خودشان درست نیست اما آنها قبول نمی کردند سرانجام فهمید که هم او و هم آنها نادانند با این فرق که سقراط می دانست که نادان است ولی آنها نمی دانستند که نادانند)
- ۱۲- (خداوند)
- ۱۳- ۱- «ملتوس» به هواداری شاعران ۲- «آنتیتوس» خواستار انتقام پیشه وران و ۳- «لیکون» نماینده خطیبان و وکیلان بود)
- ۱۴- (اینکه کسانی که پیش از همه به دانایی شهرت دارند جاهل تر از دیگران بودند و آنها که چنین آوازه ای نداشتند خردمند تر از آنها بودند)
- ۱۵- (سقراط از ملتوس سؤال می کند چه کسی می تواند جوانان را تربیت کند ملتوس ابتدا جواب می دهد «قانون» و سپس می گوید داورانی که در دادگاه گرد آمده اند و در نهایت سقراط در گفتگو با ملتوس به این نتیجه می رسد که همه آنتیبان به جز سقراط می توانند جوانان را تربیت کنند لذا از ملتوس می پرسد آیا تربیت اسب از عهده هر کس بر می آید ملتوس پاسخ می دهد خیر فقط از دست افراد آزموده بر می آید و سقراط در جواب او می گوید پس به این نتیجه می رسیم که تربیت جوان از تربیت اسب آسانتر است چون انسان را همه می توانند تربیت کنند جز یک نفر و ملتوس نیز با شنیدن این حرفها سکوت می کند)
- ۱۶- (سقراط با طرح سه سؤال از ملتوس این اتهام را رد می کند ۱- آیا ممکن است کسی وجود امور انسانی را بپذیرد ولی منکر وجود انسان شود؟ ۲- آیا ممکن است کسی وجود اسب را انکار کند ولی وجود زین و لگام را بپذیرد؟ ۳- آیا ممکن است کسی پیدا شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول کند ولی منکر وجود خدا شود؟)
- ۱۷- (مخالفتش معتقد بودند قبل از انجام کار باید فهمید آیا این کار به مرگ او می انجامد یا زندگی او اما سقراط معتقد بود انسان باید بفهمد آیا آن کار درست است یا نه)
- ۱۸- (اینکه آیا آن کار درست است یا نه)
- ۱۹- (ترس از مرگ جز این نیست که انسان خود را دانا بپندارد بی آنکه دانا باشد یعنی چیزی را که نمی داند گمان کند که می داند هیچ کس نمی داند مرگ چیست؟ از این رو نمی تواند ادعا کند مرگ امری سهمگین است پس کسی که از مرگ می ترسد خود را نسبت به آن دانا می پندارد در حالی که دانا نیست)
- ۲۰- (تفاوت من با دیگران در این است که چون درباره جهان دیگر هیچ نمی دانم خود را نمی فریبم و گمان نمی برم که می دانم و تنها در این نکته است که از دیگران داناتر من تنها از چیزهایی می ترسم که می دانم زین آور است مانند بی اعتنایی به قانون و سرپیچی از فرمان کسی که بهتر از من است چه خدا باشد و چه انسان)

۲۱- (سقراط می گوید هیچ سعادتتی برای شهر من بالاتر از خدمتی که من به پیروی از فرمان خدا به شما می کنم نیست)

۲۲- (اینکه برای آنها ثابت کند که بیش از آنکه در اندیشه تن و مال و مقام باشند باید به روح خود بپردازند و در تربیت آن بکوشند)

۲۳- (ای آتینان گریز از مرگ دشوار نیست گریز از بدی دشوار است زیرا بدی تندتر از مرگ می دود اگر مرگ انتقال از جهانی به جهان دیگر است پس چه نعمتی از این بالاتر که آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی بر خود نهاده اند رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبرو شود و با نیکان همنشین شود اگر مرگ این است حاضرم بارها به کام مرگ روانه شوم)

۲۴- (زیرا گفت نمی خواهد به پیرانه سر متهم شود و او می گفت یک حکیم به دنیا دلبستگی ندارد و آزادی و سربلندی خود را برای اینکه چند صباحی بیشتر زنده بماند فدا نمی کند لذا من نیز اگر خواهان چند روز عمر بیشتر باشم گویی خود را مسخره کرده ام چون در گفتار دم از بی اعتنائی به دنیا زده ام و در عمل خود رامشتاق توقف در دنیا نشان می دهم)

۲۵- (سقراط راز دانایی خود را چنین معرفی می کند که او نسبت به نادانی خود آگاه است به همین جهت او ماموریت معنوی زندگی خود را در این می دید که با مدعیان علم و دانایی به گفتگو بنشیند و به آنها نشان دهد که از دانش بهره ای ندارند)

۲۶- (۱- خود آگاهی: سقراط با فریاد خود را بشناس پرده جهل مرکب را از چشم ها فرو می اندازد و نمی دانم سقراط در واقع آوای خویشتن شناسی و درس آگاه شدن از گوهر تابناک انسانیت است که در درون هر انسانی نهفته است و به نظر سقراط گام اول در طریق کسب حکمت و دانایی خود آگاهی است ۲- راه صحیح تفکر (رسیدن به تعریف ثابت): سقراط در بحثهای فلسفی خود می کوشید تا از امور گوناگون تعریف ثابت و درستی بدهد او در مبارزه علمی خود علیه سوفسطائیان که همه دانشها را اموری نسبی می دانستند و می پنداشتند که معیار ثابتی برای تشخیص درست و نادرست وجود ندارد کوشش می کرد تا نشان دهد که هر چیزی از تعریف ثابتی برخوردار است)

۲۷- (خود آگاهی)

۲۸- (نمی دانم سقراط در واقع آوای خویشتن شناسی و درس آگاه شدن از گوهر تابناک انسانیت را که در درون هر انسانی نهفته است در تاریخ بشر طنین انداز کرده است)

۲۹- (نمی دانم سوفسطائیان به معنی نمی توانم بدانم است اما نمی دانم سقراط طوفانی است در کاشانه سوفسطائیان تا آنها را از مستی غرور بیدار کند و از اسارت جهل مرکب آزاد سازد سقراط با فریاد خود را بشناس پرده جهل مرکب را از مقابل چشم ها فرو می اندازد و به فرد می آموزد که با تکیه بر عقل خدادادی می توان از شک و گمان خلاصی یافت و راه حقیقت را پیمود «نمی دانم سقراط» سرآغاز راه حکمت و همراه همیشگی جوینده حقیقت است)

برای مطالعه: جهل بر دو قسم ۱- جهل بسیط ۲- جهل مرکب

جهل بسیط آن است که انسان نداند اما از ندانستن خود آگاهی دارد یعنی می داند که نمی داند

آن کس که نداند و بداند که نداند لنگان خرک خویش به مقصد رساند

اما جهل مرکب آن است که انسان نداند و از ندانستن خود آگاهی ندارد آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابدالدهر بماند

۳۰- (سقراط- اوبا روشی معتدل و بیانی استوار انسان را به تامل در نفس خویش دعوت می کرد تا در درون خود گوهر الهی (عقل) را کشف کند و از نور آن عقل ربانی که جهان را روشن ساخته پرتو درخشانی هم در ضمیر خویش مشاهده کنند یعنی همان قوه تعقل که به مدد آن هم معرفت حقیقی را می توان بدست آورد و هم می توان فضائل اخلاقی را کسب نمود)

۳۱- (معرف)

۳۲- (رسیدن به تعاریف اشیاء - سقراط می گفت هر چیزی از تعریف ثابتی برخوردار است و اگر به تعریف اشیاء برسیم به دانش درست و مطمئنی دست پیدا کرده ایم از این رو سقراط سعی می کرد تا به تعریف اموری مانند شجاعت - عدالت - دوستی و... بپردازد)

۳۳- (قوه تعقل - معرفت حقیقی - فضائل اخلاقی)

۳۴- (جهل مرکب)

۳۵- (خدمت خود به مردم با پیروی از فرمان خدا - کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند)

۳۶- (با تکیه بر عقل خدادادی)

۳۷- (خویشتن شناسی - تابناک انسانیت)

۳۷- (یک حکیم به دنیا دلبستگی ندارد و آزادی و سربلندی خود را برای اینکه چند صباحی بیشتر زنده بماند فدا نمی کند)

..... **دوسم ششم گوهرهای اصیل و جاودانه**

۱- (اریستوکلس - به جهت پیکر تنومندش)

۲- (گفتگوی عقلی - دیالکتیک - سقراط)

۳- (آکادمی - سقراط - به علت احترام خاصی که به سقراط قائل بود)

۴- (افلاطون)

۵- (شناسایی حقیقی چیست و به چیزی تعلق می گیرد؟)

۶- (رساله تئنتوس و جمهوری)

۷- (افلاطون در رساله تئنتوس به تفصیل، آراء نادرست درباره شناخت و معرفت را پیش می‌گیرد و با انتقاد از آنها هیچ یک را شایسته نام شناسایی واقعی نمی‌داند اما در رساله جمهوری که به موضوعات متنوعی اختصاص دارد واز مهمترین رساله های اوست سهمی را هم به بیان آراء خود درباره شرایط شناسایی حقیقی اختصاص می‌دهد)

۸- (تئنتوس-سقراط-تئنتوس)

۹- (حقیقت را امری نسبی می‌پنداشتند و برای آن معیار ثابتی قائل نبودند)

۱۰- (وقتی می‌توانیم چیزی را به درستی بشناسیم که آن را با حواس درک کنیم یعنی شناسایی معتبر همان ادراک حسی است)

۱۱- (مثال وزیدن باد- به این گونه که سقراط می‌گوید وقتی باد می‌وزد یکی از ما ممکن است سردش شود و دیگری نه پس اگر بخواهیم از پروتاگوراس پیروی کنیم باید بگوییم باد برای آن کس که آن را سرد می‌یابد سرد است و برای دیگری سرد نیست پس ادراک حسی است که گرما و سرما را به ما نشان می‌دهد پس اگر ادراک حسی شناسایی باشد حقیقت هر چیزی را در می‌یابد و احتمال خطا در آن نمی‌رود و باید نتیجه گرفت که هیچ انسانی نمی‌تواند عاقلتر از دیگری باشد زیرا هرکس بهترین داور احساسهایی است که بدست می‌آورد)

۱۲- (اینکه هیچ انسانی نمی‌تواند عاقلتر از انسان دیگری باشد زیرا هرکس بهترین داور احساسهایی است که بدست می‌آورد)

۱۳- (۱- خطانا پذیر بودن (ضامن صحت و درستی معرفت است) ۲- به امور پایدار تعلق داشتن (ضامن دوام و ثبات معرفت است)

۱۴- (به نظر افلاطون حواس ۱- در معرض خطا و لغزش هستند ۲- با اموری سروکار دارند که نمی‌توان ثبات و پایداری را در آنها سراغ گرفت پس ادراک حسی نمی‌تواند شایسته اعتنا باشد)

۱۵- (به کاربردن روش درست اندیشیدن- بدست آوردن شناسایی واقعی و یقینی)

۱۶- (هراکلیتوس)

۱۷- (شما نمی‌توانید دوبار در یک رودخانه گام نهید زیرا آبهای تازه است که همواره جریان دارد و بر شما می‌گذرد)

۱۸- (متغیر بودن جهان طبیعت)

۱۹- (راه حل او به نظریه مثل شهرت دارد- و شامل دو مرحله است ۱- برای بدست آوردن معرفت حقیقی باید از سطح حواس فراتر رفت و از ابزار دیگری به نام عقل مدد جست ادراک عقلانی ادراکی است که می‌توان ساحت آن را از هرگونه خطایی پاک کرد و به عبارت دیگر مشخصه اول در معرفت حقیقی که همان خطانا پذیری آن است را باید با به کار بردن قوه عقل تامین کرد ۲- از دید افلاطون در عالم طبیعت که پیوسته در حرکت و دگرگونی است نمی‌توان به چیز ثابت و پادوامی دست یافت و بنابراین ویژگی دوم در معرفت حقیقی یعنی تعلق داشتن به امور پایدار در جهان محسوسات تامین نمی‌شود بلکه باید آن را در جهانی برتر از طبیعت جستجو کرد)

۲۰- (معرفت حقیقی- حواس- عقل)

۲۱- (ادراکی که می‌توان ساحت آن را از هرگونه خطایی پاک کرد)

۲۲- (خطانا پذیری- بکار بردن قوه عقل)

۲۳- (عالم طبیعت پیوسته در حرکت و دگرگونی است و در آن نمی‌توان به چیز ثابتی دست یافت)

۲۴- (تعلق داشتن به امور پایدار- محسوسات- جهانی برتر از طبیعت)

۲۵- (عقل- مشاهده مثل)

۲۶- (افلاطون موجودات جهان ماوراء طبیعت را مثال نامیده و جمع آن مثل خوانده می‌شود مثل گوهرهای اصیل و جاودانه ای هستند و موجودات جهان طبیعت همگی بدل آنها محسوب می‌شوند)

برای مطالعه: افلاطون جهان عادی و روز مره را چیزی حقیر و واهی می‌دانست او معتقد بود تنها صورتهای مثالی (ایده ها) از وجود واقعی برخوردار هستند و صورتهای مثالی مانند الگوهای کامل و جاویدانی هستند که همه اشیاء پیرامون ما از روی آن نسخه برداری شده اند البته ارسطو با این نظریه افلاطون موافق نبوده است و معتقد بوده است که تغییر و تحول یک جنبه واقعی از امور واقعی است .

۲۷- (محسوسات- ماوراء طبیعت- سایه های)

۲۸- (از دید افلاطون همه تصورات کلی از قبیل عدالت- زیبایی و... دارای مرجع حقیقی هستند که آنها را باید در عالم مثال سراغ گرفت و تنها با یک سیر عقلانی می‌توان آنها را ادراک کرد مثلاً تصور کلی انسان اشاره به یک مثال انسان دارد که در عالم مثال قرار داشته و همه انسانهای دیگر سایه او محسوب می‌شوند)

۲۹- (حس و تجربه فقط سایه های مثل را در جهان طبیعت درک می‌کند و از ادراک خود مثل که یکسان و ثابت باقی می‌ماند ناتوان است)

۳۰- (در کتاب جمهوری به کمک تمثیلی به نام تمثیل غار)

۳۱- (گفتگوی سقراط با گلاوکن)

۳۲- (۱- نخست سایه ها و تصاویر اشخاص را که در آب می‌افتد بهتر از چیزهای دیگر تشخیص خواهد داد ۲- در مرحله دوم خود آدمیان و اشیاء را خواهد دید ۳- پس از آن به تماشای آسمان و ستارگان خواهد پرداخت ولی آنها را هنگام شب بهتر مشاهده می‌کند زیرا چشم ها به روشنی ماه و ستارگان زودتر عادت خواهد کرد ۴- سرانجام خواهد توانست خود خورشید را مشاهده کند و منظور انعکاس خورشید در آب یا چیزهای دیگر نیست بلکه خود خورشید را در عین پاکی و تنهایی مشاهده خواهد کرد)

۳۳- (عالم محسوسات- نیروی خورشید- عالم مثل - سیر و صعود روح به عالم شناسایی)

۳۴- (از نظر افلاطون آنچه آدمی در می یابد مبدا همه مَثُل یعنی مثال نیک است که همه سایه ها و تصاویر جلوه گاه خوبی و زیبایی اوست)

۳۵- (به منظور سیر عقلانی به سوی معرفت حقیقی یا شناسایی)

۳۶- (خداوند)

۳۷- (مبدا همه مثل یعنی مثال نیک-جلوه گاه خوبی و زیبایی او)

.....درس هفتم(علتهای چهارگانه از دیدگاه ارسطو).....

۱- (ارسطو)

۲- (روش مشأء-فیلسوفانی مانند کندی فارابی ابن سینا خواجه نصیرالدین طوسی میرداماد وابن رشد در جهان اسلام و توماس اکوئیناس در جهان مسیحیت از طرفداران او بودند)

۳- (حرکات طبیعی)

۴- (علت مادی-علت غایی-علت صوری-علت فاعلی)

۵- (خیاط علت فاعلی-پارچه علت مادی-شکل والگو علت صوری-انگیزه خیاط علت غایی)

۶- (عاملی است که با خود چیزی را بوجود می آورد مانند نویسنده ای که کتابی را می نویسد)

۷- (آن چیزی است که جنس هر موجودی را تشکیل می دهدمانند برنز برای مجسمه یا نقره برای جام)

۸- (شکل یا صورتی است که از ماهیت و نوع یک پدیده حکایت می کند مانند شکل یا الگو برای خیاط)

۹- (چیزی است که کار برای آن انجام می شودمانند تندرستی که علت پیاده روی است)

برای مطالعه: در مورد علت فاعلی گفته می شود که بیشترین مطابقت را با تفسیر امروزی از علت دارد و علت غایی از آن بحث برانگیزترین علتها است. این علت یک تغییر را بر اساس هدف نهایی یک چیز تبیین می کند

۱۰- (از علل اربعه که عبارتند از علت فاعلی-غایی-صوری - مادی)

۱۱- (توجیه عقلانی پدیده ها- طبیعیات)

۱۲- (شاگرد ابو علی سینا- التحصیل)

۱۳- (او آنها را به دو دسته تقسیم می کند ۱- علل درونی که قوام شی به آن وابسته است که عبارتند از علت مادی و صوری ۲- علل بیرونی که بیرون از اشیاء است که عبارتند از علت فاعلی و غایی)

۱۴- (از دیدگاه ارسطو «علت صوری و مادی» علت درونی یک پدیده است و «علت فاعلی و غایی» علتهای بیرونی به حساب می آیند)

نکته: علت صوری و مادی یا بهتر بگوییم که ماده و صورت که جز علل درونی پدیده ها محسوب می شوند از هم جدا نیستند اما صورت عوض می شود

۱۵- (مراد آن عامل خارجی است که در حرکت و تغییر اشیاء موثر است)

۱۶- (بعضی از افعال و حرکاتی که در اجسام دیده می شود از یک علت خارجی است و بعضی از خود جسم است و سبب خارجی ندارد)

۱۷- (قوایی که درون خود اجسام است)

۱۸- (یعنی ارسطو و پیروانش یک نوع علت فاعلی درونی را به عنوان مبدا حرکت و سکون در خود اجسام در نظر می گیرند و آن را طبیعت جسم می نامندمثلا ارسطو در پاسخ به اینکه چرا سنگ سقوط می کند یا چرا شعله آتش بالا می رود پاسخ می دهد در سنگ و آتش طبیعت هایی وجود دارد که در یکی میل به فرود آمدن و در دیگری میل به بالا رفتن آفریده است.)

۱۹- (ماده یا هیولا وجود بالقوه و مایه اولیه است که در اثر تغییر و تحول به فعلیت می رسد مثلا تخم مرغ ماده اولیه است که با تحول تدریجی به جوجه یا مرغ تبدیل می شود)

نکته: هیولا کلمه یونانی است که در زبان انگلیسی به آن (matter) می گویند و در فارسی به آن ماده یا مایه می گویند

۲۰- (علت مادی در نظر ارسطو در واقع مرحله استعداد در یک چیز است که تدریجا

بر اثر دخالت یک علت فاعلی خارجی یا بر اثر طبیعت درونی به مرحله فعلیت می رسد مثلا تخم مرغ ماده اولیه است که با تحول تدریجی به جوجه یا مرغ تبدیل می شود)

۲۱- (علت صوری همان فعلیتی است که یک شی بالقوه در مراحل حرکت خود بدست می آورد مثلا کوزه همان صورتی است که خاک رس قوه و استعداد بدست آوردن آن را دارد)

۲۲- (ماده-صورت)

۲۳- (ولادت و مرگ و پیدایش و فنا تنها زائل شدن صورتی از ماده و پیدایش صورت جدید است)

۲۴- (یعنی چیزی ممکن است در مقایسه با یک چیز ماده و قوه باشد و در مقایسه با چیز دیگر صورت و فعلیت پس صورت نسبت به صورت بالاتر در حکم ماده تلقی می شود مثلا تخم مرغ نسبت به نطفه اولیه صورت است اما نسبت به جوجه ماده است)

۲۵- جواب: قسمت ج

۲۶- (صورت-ماده-صورت-ماده)

۲۷- (طبیعت هر جسم- صورتی)

۲۸- (صورت همان طبیعت است آنگاه که آن را به عنوان مبدا حرکت وسکون در یک شی در نظر بگیریم و طبیعت هر جسم آن صورت نخستین است که جسم را به صورتی بالاتر می راند و هرگاه به صورتی بالاتر رسید باز او را به صورتی بالاتر پیش می برد طبیعت یک تخم مرغ صورتی است که آن را به سوی صورت جوجه سوق می دهد و طبیعت جوجه صورتی است که آن را به سوی صورت مرغ سوق می دهد)

نکته: ماده حالت بالقوه دارد یعنی ماده بصورت بالقوه می تواند پذیرای صورتهای مختلف باشد و وقتی که صورتی را پذیرفت باز بر اساس طبیعت جسم (علت فاعلی) رو به سوی بالاتر دارد و می خواهد صورت دیگری بپذیرد مثلاً آب در درون یک رودخانه می تواند صورت بخار به خود بگیرد و پس از آن بصورت ابر در آید و بعد از آن نیز می تواند بصورت برف یا باران بر زمین فرود آید در این مثال آب که ماده است بر اساس طبیعت خود (علت فاعلی) بصورت های گوناگون در آمد.

بحث تکمیلی در مورد ماده و صورت: هیولا (ماده) جوهری است که استعداد قبول صورتهای جسمی را داشته باشد بنابراین ماده و صورت هیچگاه از هم جدا نیستند چون در اصل ماده برای وجود داشتن نیازمند صورت است و صورت نیز برای شکل یافتن نیازمند ماده است و ماده بدون صورت حتی قابل اشاره حسی نیست.

۲۹- (برای ارسطو علت غایی مفهوم گسترده ای دارد ارسطو علت غایی را علاوه بر افعال ارادی انسان به تمام حرکات اشیاء جهان نیز سرایت می دهد بطوری که طبیعت هر چیزی که ماده آن را به سوی صورت و فعلیت جدیدی سوق می دهد میل دارد تا آن چیز را به آخرین مرتبه از کمالی که برای آن دارد برساند)

۳۰- (میل طبیعی- انگیزه و نیت)

۳۱- (قصد و نیت- میل طبیعی)

۳۲- (میل طبیعی ضامن حرکت ماده اشیاء است به سوی بالاترین صورت و فعلیتی که می تواند به آن برسد)

۳۳- (به کدبانوی شایسته ای که هرگز چیزی را که بتواند آن را به چیز مفیدی تبدیل کند دور نمی اندازد و هدر نمی دهد)

۳۴- (عالم طبیعت در نزد ارسطو سرشار از آینده نگری و نظم و ترتیب است و هر چیزی در جای خود قرار دارد تا به سوی کمال حرکت کند)

۳۵- (یک عامل آگاهانه و یک اصل سازمان دهنده ای است که در میان همه موجودات وجود دارد و نظم و هماهنگی و هدفداری را در نظام طبیعت تامین می کند)

۳۶- (علت غایی در عالم طبیعت)

۳۷- (مبادی شناخت حقایق جهان)

۳۸- (با تحلیلی که ارسطو از علت های چهارگانه ارائه می دهد)

۳۹- (آن است که به تفسیر جهان هستی از افق علل اربعه بپردازد)

۴۰- (دانشی که درباره علل اولیه هستی بحث می کند)

۴۱- (از دیدگاه ارسطو میل طبیعی در درون هر چیزی وجود دارد و درست شبیه انگیزه و نیت که در ذهن یک انسان است عمل می کند و همانگونه که قصد و نیت ضامن حرکت انسان برای بدست آوردن چیزی است میل طبیعی هم ضامن حرکت ماده اشیاء است به سوی بالاترین صورت و فعلیتی که به آن می توانند برسند)

۴۲- هنرمند (علت فاعلی) - مجسمه (علت صوری) - طلائی (علت مادی) - تزیین تالار (علت غایی)

۴۳- ارسطو یک فیلسوف واقع بین است - طبیعت و دگرگونی های آن یکی از موضوعات مورد علاقه ارسطو است.

***** تست های درس اول *****

۱- (کنکور ۸۴) از مفهوم یکنواخت عمل کردن طبیعت که در شرایط مشابه نتایج مشابه به دست می آید مبتنی بودن طبیعت بر قوانین که نمود غیر قابل

انکارش در قانون نهفته است مستفاد می گردد.

الف- قراردادی-علیت ب- تکوینی-نظم ج- تکوینی-علیت د- قراردادی-نظم

۲- (کنکور ۷۶-۷۷) فلسفه به معنای رایج آن مترادف کدام مفهوم است؟

الف- تبیین عقلانی ب- تحلیل مادی ج- خداشناسی د- دین شناسی

۳- (کنکور ۷۷) علوم تجربی در اثبات کدام ناحیه محتاج فلسفه است؟

الف- اصول و مبانی کلی ب- تئوری های کلی ج- مسائل عملی د- مسائل نظری

***** تست های درس دوم *****

۴- (کنکور ۸۴) بحث شناخت و معرفت یکی از مباحث است که تبیین است و باروانشناسی ارتباط دارد .

الف- فلسفه- عقلانی ذهن ب- فلسفه- عقلانی روح ج- علم- عالمانه ذهن د- علم- عالمانه روح

۵- (کنکور ۸۳) این مطلب که «انسان صاحب اراده ای آزاد است و می تواند برای خود فرهنگ خاصی را انتخاب کرد» بحث مشترک فلسفه و کدام علم است؟

الف- حقوق ب- اخلاق ج- سیاست د- جامعه شناسی

۶- (کنکور آزاد ۷۴) به نظر کدام مکتب انسان کاملاً تابع پایگاه طبقاتی خود است؟

الف- مارکسیسم ب- سوفیسم ج- جامعه شناسی د- روانشناسی

۷- (کنکور ۸۷) تبیین عقلانی خوبی و بدی و تبیین عقلانی اختصاص ولایت به خداوند به ترتیب بیانگر ارتباط فلسفه با و می باشد

الف- سیاست- اخلاق ب- اخلاق- سیاست ج- اخلاق- جامعه شناسی د- سیاست- جامعه شناسی

***** تست های درس سوم *****

۸- (کنکور ۸۵) سؤال از «چیستی و چرایی» چگونه سؤالی است و محافظ ستون های تناور خیمه دانش بشری چیست؟

الف- فلسفی-تحقیق ب- فلسفی-فلسفه ج- علمی-فلسفه د- علمی-تحقیق

۹- (کنکور ۷۵) چرا در فلسفه نمی توان گفت: هستی سرد است یا گرم! سفید است یا سیاه! زیرا...

الف- میان موضوع و فلسفه رابطه علی و معلولی است ب- موضوع فلسفه مطلق وجود است نه هستی های مقید

ج- مسائل فلسفه عوارض ذاتی موضوع آن است د- در فلسفه از هستی های نامقدور بحث می شود نه مقدور

۱۰- (کنکور ۷۳) با توجه به تعریف فلسفه کدام مسئله فلسفی است؟

الف- هستی بزرگ است یا کوچک ب- هستی سنگین است یا سبک ج- هستی متغیر است یا ثابت د- هستی مساوی است یا نامساوی

۱۱- (کنکور آزاد ۸۴) صحبت از سنگ بودن «سنگ» و درخت بودن «درخت» بحث از یا است که به عهده ... است.

الف- هستی-ماهیت-فلسفه ب- هستی-وجود-مابعدالطبیعه ج- چیستی-وجود-فلسفه د- چیستی-ماهیت-مابعدالطبیعه

۱۲- (کنکور آزاد ۸۴) تحقیق و کاوش در رابطه علت و معلول به عهده و بررسی مطلقیت یا نسبیت ارزش های اخلاقی به عهده است.

الف- فلسفه-علم اخلاق ب- فلسفه اولی-فلسفه علم اخلاق ج- منطق-علم اخلاق د- منطق نظری-اخلاق عملی

۱۳- (کنکور آزاد ۸۱) نمره وجود کثرت و وحدت در عالم را در کدام مورد می توان یافت؟ (به ترتیب)

الف- تمایز اشیاء از یکدیگر-همانندی و مشابهت ب- اصالت ماهیت-اصالت وجود

ج- همانندی و مشابهت میان اشیاء-تمایز اشیاء از یکدیگر د- اصالت وجود-اصالت ماهیت

۱۴- (کنکور آزاد ۸۴) تشخیص همانندی و مشابهت بین موجودات عالم ضرورت بحث از را در مسائل رقم می زند.

الف- جوهر و عرض-منطق ب- علت و معلول-علوم تجربی

ج- وجود و ماهیت-فلسفه و منطق د- وحدت و کثرت-فلسفه اولی

۱۵- (کنکور آزاد ۸۳) سؤال از چیستی موجودات در اندیشه های فلسفی موضوع را رقم می زند و بررسی از هستی موضوع را رقم می زند.

الف- علت-معلول ب- فقر-غناء ج- معلول-علت د- ماهیت-وجود

۱۶- (کنکور ۸۵) تمیز و تشخیص اشیاء از یکدیگر و فهم شباهت و همانندی بین پدیده ها به ترتیب بر خواسته از و موجود در هستی که بررسی آن به

عهده ... می باشد. الف- وحدت-کثرت-فلسفه ب- ماهیت-وجود-فلسفه

ج- وجود-ماهیت-مابعدالطبیعه د- کثرت-وحدت-مابعدالطبیعه

۱۷- (کنکور ۸۷) وجه ممیز موجودات از یکدیگر است و مهم ترین مصداق مبانی فلسفه اولی ، است و کوشش مبتنی بر شناخت علت باطنی

پدیده ها نام دارد. الف- وجود-ماهیت-معرفت ب- ماهیت-وجود-معرفت ج- وجود-ماهیت-فلسفه د- ماهیت-وجود-فلسفه

***** تست های درس چهارم *****

۱۸- (کنکور ۷۵) - کدام گزینه بیانگر نظریه پروتاگوراس درباره شناسایی است؟

الف- شناسایی مبتنی بر ادراک حسی و امری ثابت است ب- شناسایی مبتنی بر ادراک عقلی و امری ثابت است

ج- شناسایی مبتنی بر ادراک عقلی و امری نسبی است د- شناسایی مبتنی بر ادراک حسی و امری نسبی است

۱۹- (کنکور ۸۵) موثر قرار گرفتن استدلال های بی اساس سوفسطائیان که انسان را معیار همه چیز می دانستند و حقیقت را امری زمینه پرداختن به ... را

در اندیشمندان جدی تر نمود.

الف نسبی-منطق ب- نسبی-فلسفه ج- مطلق-منطق د- مطلق-فلسفه

***** تست های درس پنجم *****

۲۰- (کنکور ۸۴) مبنای خصومت آنتیان با سقراط و استمرار آن تا برکنده شدن ریشه تنومند او بود

الف- جهل وی به جامعه و زمانش ب- علم او به دانایی اش ج- جهل وی به دانایی اش د- علم وی به نادانی اش

۲۱- (کنکور ۸۴) به اعتقاد سقراط شرط دست یازیدن به کار ارزیابی ... آن است

الف- درستی یا نادرستی ب- مفید یا مضر بودن ج- حیات آفرینی یا مرگ آفرینی د- موافقت یا مخالفت جامعه با آن

۲۲- (کنکور ۸۴) کدام بیان با مبانی اندیشه سقراط موافقت ندارد؟

الف- مخاطب خود را به نادانی اش متوجه می کرد

ج- تعاریف ثابتی از مفاهیم را به دست می داد

۲۳- (کنکور ۷۶) سقراط را در کدام دادگاه محاکمه کردند و جرم اصلی او را چه چیزی مطرح کردند؟

الف- هلیاست-انکار خدایان و سخن راندن از خدای جدید ب- هلیاست-انکار رهبران دینی مردم و همراه کردن جوانان

ج- معبد دلفی-انکار خدا یا نوسخن راندن از خدای جدید د- معبد دلفی-انکار رهبران دینی و همراه کردن جوانان

۲۴- (کنکور ۷۶) سقراط در گفتگو با مخاطب خود به کدام مورد تاکید داشت؟

الف- آشکار کردن کمبود معلومات خود و ارائه قیاس منطقی امور ب- آشکار کردن کمبود معلومات او و ارائه تعریف درست از امور

ج- آشکار کردن کمبود معلومات خویش و تکیه بر ضوابط منطقی خطابه د- توجه به نادانی مخاطب خویش و تکیه بر ضوابط منطقی خطابه

۲۵- (کنکور آزاد ۸۲) چه کسی این ندای «هیچ کس داناتر از سقراط نیست» را از پرستشگاه شنیده بود؟

الف- لیکون ب- ملتوس ج- کرفون د- آنتیتوس

۲۶- (کنکور ۸۵) به اعتقاد سقراط رمز پیام معبد دلفی برای «کرفون» در برابر سؤالش که پرسیده بود: آیا کسی داناتر از سقراط هست؟ واز پرستشگاه این ندا را شنیده بود که: هیچ کس داناتر از سقراط نیست این است که....

الف- او به دانایی خود بیش از دیگران وقوف دارد ب- او به نادانی خود بیش از دیگران وقوف دارد
ج- مردم جامعه اش معیارهای دانایی را می دانند د- مردم جامعه اش معیارهای دانایی را نمی دانند

۲۷- (کنکور ۸۵) فریاد سقراط به مخاطبان خود به منظور فرو انداختن پرده جهل مرکب از مقابل دیدگان آنها و بر کرسی تواضع نشانده نشان جمله ی بود تا..... را سرآغازی برای راه حکمت و معرفت قرار دهد.

الف- خودت را بشناس-می دانم ب- خودت را بشناس- نمی دانم ج- نمی دانی و باید بدانی-می دانم د- نمی دانی و باید بدانی- نمی دانم

۲۸- (کنکور ۸۷) تکیه گاه انسان در احراز معرفت یقینی و راه توفیق در اکتساب فضائل اخلاقی همان..... است که سقراط را به نشان..... مفتخر کرد.

۱- قوه تعقل- بنیان گذاری فلسفه ۲- تأمل در نفس خویشتن- خویشتن شناسی

۳- قوه تعقل- پیروزی بر شکاکیت سوفسطائیان ۴- تأمل در نفس خویشتن- پیروزی بر شکاکیت سوفسطائیان

۲۹- (کنکور ۸۷) طوفان ویرانگر کاشانه سوفسطائیان که نتیجه آن، بیداری از مستی غرور شد، همان..... سقراط و عامل توفیق بخش به انسان، که او را بر کرسی تواضع بنشانند فریاد..... بود.

الف- خودت را بشناس- نمی دانم ب- نمی دانم- خودت را بشناس ج- نمی توانم بدانم- خودت را بشناس د- خودت را بشناس- نمی توانم بدانم

***** تست های درس ششم *****

۳۰- (کنکور ۸۳) کدام عبارت بیانگر نظریه ی (مثل افلاطونی) است؟

الف- آنچه در این جهان است اصل و حقیقتش در جهان دیگری است ب- افراد این جهان اصلی دارند که در درون غاری در تاریکی زندگی می کنند
ج- افراد این جهان به منزله حقایقی هستند که سایه های آنها در جهان دیگری است د- آنچه در این جهان است فقط سایه است و اصلی ندارد

۳۱- (کنکور ۸۱) نتیجه ای که افلاطون از زبان سقراط در گفتگوی با تئتوس پیرامون شناخت بدست می آورد کدام است؟

الف- اعتقاد به اینکه تنها معیار شناسایی حقیقی عقل است بی پایه است ب- اعتقاد به اینکه شناسایی حسی یقین آور است بی پایه است
ج- معیار بودن انسان را در تمام امور را باطل می کند د- معیار بودن عقل انسان در تمام امور را باطل می کند

۳۲- (کنکور ۸۰) به نظر افلاطون الفاظ و تصورات کلی مانند انسان- عدالت- زیبایی و... به کدام مورد دلالت میکنند و راه ادراک آن کدام است؟

الف- موجودات عقلی در عالم ماده- حواس سالم ب- موجودات عقلی در عالم ماده- سیر عقلانی
ج- موجودات حقیقی در عالم مثل- حواس سالم د- موجودات حقیقی در عالم مثل- سیر عقلانی

۳۳- (کنکور ۷۵) نظریه مثل به منظور تأمین کدام ویژگی معرفت حقیقی و به وسیله چه کسی ارائه شده است؟

الف- تعلق داشتن به امور پایدار- سقراط ب- تعلق داشتن به امور پایدار- افلاطون ج- تبیین عقلانی- سقراط د- خطا ناپذیر بودن- افلاطون

۳۴- (کنکور ۷۰) بیت ذکر شده بیانگر نظر کدام فیلسوف در مورد مثل است. «صورت زیرین اگر در نردبان معرفت بر رود بالا همی با اصل خود یکتاستی»

الف- شیخ اشراق ب- صدر المتالیهین ج- میر داماد د- میر فندرسکی

۳۵- (کنکور آزاد ۸۱) افلاطون در کدام کتاب نظر سوفیست ها را که با تکیه بر ادراک حسی حقیقت را امری نسبی می پنداشتند رد می کند؟

الف- جمهوری ب- قوانین ج- تئتوس د- تیمائوس

۳۶- (کنکور آزمایشی ۸۴) عبارت «شناخت حقیقی چیست و به چه چیزی تعلق می گیرد؟» از کیست و زمینه ساز کدام طرح او شد؟

الف- فارابی- مدینه فاضله ب- سقراط- اتهام ج- ارسطو- مدینه فاضله د- افلاطون- مثل

۳۷- (کنکور ۸۵) قهرمان داستانهای فلسفی افلاطون که بود و سبک او در طرح مباحث فلسفی مشهور به چه بود و با چه کسی در بی قراری جهان طبیعت هم اندیشه بود؟

الف- سقراط- دیالکتیک- هراکلیتوس ب- سقراط- گفتگو- پروتاگوراس ج- تئتوس- دیالکتیک- هراکلیتوس د- تئتوس- گفتگو- پروتاگوراس

۳۸- (کنکور ۸۶) به اعتقاد افلاطون اطلاق لفظ کلی بر موجودات حقیقی در عالم..... امکان پذیر است و ادراک آنها چنان که هستند موقوف به.... است

الف- محسوسات- یک سیر عقلانی ب- مثل- یک سیر عقلانی ج- مثل- استمداد از ادراک حسی د- محسوسات- استمداد از ادراک حسی

۳۹- (کنکور ۸۷) کاربرد محمول واحد «انسان» برای حسن، حسین، محمد، تقی، رضا، به اعتقاد افلاطون، یک کاربرد..... است و مرجع حقیقی آن..... می باشد که فهم آن، در گرو یک سیر..... است.

الف- جزئی- عالم مثل- نمی دانم ب- کلی- عالم محسوسات- حسی ج- کلی- عالم مثل- عقلانی د- جزئی- عالم محسوسات- حسی

***** تست های درس هفتم *****

۴۰- (کنکور ۸۵) میل طبیعی موجود در پدیده ها که آن را به سوی صورت و فعلیت جدیدی سوق می دهد همان چیزی است که در اندیشه ارسطو

علت..... خوانده می شود و در مرتبه بالقوه.... است.

الف- غایی- بودنی ب- فاعلی- بودنی ج- فاعلی- هیولا د- غایی- هیولا

۴۱- (کنکور ۸۴) در اندیشه فلسفی ارسطو عامل سقوط سنگ صعود دود برخاسته از علت..... طبیعت شی وویگ امر است.

الف-مادی-بیرونی ب-فاعلی-درونی ج-مادی-درونی د-فاعلی-بیرونی

۴۲- (کنکور ۸۱) در میان علل اربعه علت به کدام معنی (به ترتیب) نوع و جنس یک پدیده را تشکیل می دهد؟

الف-صوری-مادی ب-غایی-صوری ج-فاعلی-مادی د-مادی-صوری

۴۳- (کنکور ۷۶) از دیدگاه ارسطو «هیولا» معادل کدام نوع علت است و مشخصه اصلی آن چیست؟

الف-علت مادی-استعداد وقوه ب-علت مادی-فعلیت و جسم ج-علت صوری-استعداد وقوه د-علت صوری-فعلیت و طبیعت

۴۴- (کنکور ۶۶) «کوزه گری برای نگه داشتن آب از خاک رس کوزه درست می کند» در این مثال به ترتیب علت مادی-صوری و فاعلی عبارتند از

الف-کوزه گر-کوزه-خاک رس ب-نگه داشتن آب-کوزه-کوزه گر ج-خاک رس-کوزه-کوزه گر د-کوزه-خاک رس-نگه داشتن آب

۴۵- (کنکور ۸۶) به اعتقاد ارسطو دو اصطلاح «بودنی» و «شدنی» به ترتیب برای چه چیز به کار می روند و دو اصطلاح «بالقوه» و «فعلیت» به ترتیب در توجیه کدام مطلب به کار می روند.

الف-ماده-صورت-صورت مادی ب-صورت-ماده-صورت مادی ج-ماده-صورت-ماده-فاعلی د-صورت-ماده-صورت

۴۶- (کنکور ۸۷) به اعتقاد ارسطو «نیت وانگیزه» موجود در انسان، موسوم به علت ... است و صعود شعله آتش و سقوط سنگ برخاسته از علت ... می باشد

الف-غایی-مادی درونی ب-فاعلی خارجی-مادی درونی ج-فاعلی-فاعلی درونی یا طبیعت جسم د-غایی-فاعلی درونی یا طبیعت جسم

| د | ج | ب | الف | د | ج | ب | الف | د | ج | ب | الف | د | ج | ب | الف |
|---|---|---|-----|---|---|---|-----|---|---|---|-----|---|---|---|-----|
| | | | ۴۰ | | | | ۲۷ | | | | ۱۴ | | | | ۱ |
| | | | ۴۱ | | | | ۲۸ | | | | ۱۵ | | | | ۲ |
| | | | ۴۲ | | | | ۲۹ | | | | ۱۶ | | | | ۳ |
| | | | ۴۳ | | | | ۳۰ | | | | ۱۷ | | | | ۴ |
| | | | ۴۴ | | | | ۳۱ | | | | ۱۸ | | | | ۵ |
| | | | ۴۵ | | | | ۳۲ | | | | ۱۹ | | | | ۶ |
| | | | ۴۶ | | | | ۳۳ | | | | ۲۰ | | | | ۷ |
| | | | | | | | ۳۴ | | | | ۲۱ | | | | ۸ |
| | | | | | | | ۳۵ | | | | ۲۲ | | | | ۹ |
| | | | | | | | ۳۶ | | | | ۲۳ | | | | ۱۰ |
| | | | | | | | ۳۷ | | | | ۲۴ | | | | ۱۱ |
| | | | | | | | ۳۸ | | | | ۲۵ | | | | ۱۲ |
| | | | | | | | ۳۹ | | | | ۲۶ | | | | ۱۳ |

سؤالات کنکور سراسری سال ۸۸

۱- هرگاه تمایل داشته باشیم که «هماندی و مشابهت میان اشیایی را که موضوع تحقیق و کند و کاو ما هستند، تشخیص دهیم و هرگاه بخواهیم «پدیده های

فراوان عالم وجود را از یکدیگر تمیز دهیم»، به ترتیب دست به دامان کدام بحث فلسفی می شویم؟

الف: علم - فلسفه ب: فلسفه - علم ج: کثرت - وحدت د: وحدت - کثرت

۲- «انسان را معیار همه چیز دانستن» و «ناتوانی انسان از شناخت اشیاء» به ترتیب، برخاسته از تفکر و و زمینه ساز توجه به فن «منطق» اندیشه بود.

الف: گرگیاس - پروتاگوراس - سقراطی ب: پروتاگوراس - گرگیاس - سقراطی ج: پروتاگوراس - گرگیاس - سوفسطایی د: گرگیاس - پروتاگوراس - سوفسطایی

۳- داناترین آدمیان، به اعتقاد سقراط کسانی اند که و رساترین آوای برخاسته از حلقوم سقراط که درس آگاهی از گوهر نابناک انسانیت را به دنبال داشت او بود

الف: بدانند که هیچ نمی دانند - نمی دانم ب: بدانند که هیچ نمی دانند - خودت را بشناس

ج: توجه به خدای واحد را وجه همت خود قرار دهند - نمی دانم د: توجه به خدای واحد را وجه همت خود قرار دهند - خودت را بشناس

۴- به اعتقاد افلاطون هرگاه «دیدن را برابر با «شناختن» بدانیم که نشان آن است.

الف: نباید ببینیم که «ندیدن» همان «شناختن» نیست - خطانا پذیر بودن ب: باید ببینیم که «شناختن» همان «ندیدن» نیست - خطانا پذیر بودن

ج: نباید ببینیم که «ندیدن» برابر با «شناختن» است - دوباره به یاد آوردن د: باید ببینیم که «شناختن» برابر با «ندیدن» است - دوباره به یاد آوردن

۵- به اعتقاد ارسطو، علت شکل دهنده به «جنس»، علت حاکی از «نوع» یک پدیده و علتی که در کنار تحقق آن «برای» مطرح شود به ترتیب کدامند؟

الف: صوری - مادی - فاعلی ب: مادی - صوری - غایی ج: صوری - مادی - غایی د: مادی - صوری - فاعلی

«والسلام علی من اتبع الهدی»